

(۳)

بدل به (غ) میشود مانند : گاو - غاو - گلوله - غلوله

(ل)

بدل به (ر) میشود مانند : زلو (بفتح اول و نسی) - بکرم سیاه رتکی که خون میبکند ؛ باصطلاح امروزه زالو (زرو)

(ن)

بدل به (م) میشود مانند : بان - بام

(و)

۱ - به (ب) بدل میشود مانند : نوشته - نبشته -

۲ - به (پ) بدل میشود مانند : وام - پام -

۳ - به (ف) بدل میشود مانند : یاوه - یافه -

(ه)

۱ - به (ج) بدل می شود مانند : ماه - هاج - ناکاه - ناکاج

۲ - به (ح) بدل میشود مانند : هیز - حیز -

فصل چهارم ضمیر

۱ - ضمائر مفرد متصل که چهار حالت پیدا میکنند ۱ - فاعلی ۲ - مفعولی ۳ - اضافی

۴ - اسنادی

الف - «ش» که در آخر اسمی حالت اضافی پیدا میکند یعنی مضاف الیه واقع میشود مانند :

کتابش - کاغذش - قلمش - یعنی کتاب او - کاغذ او - قلم او - مثال از شعر :
جهان گر چشم ماینهان بود خار مغیلاش عجب دل میبرد از دست راح و روح و ریحانش
« از شیوای فضائی »

و نیز در آخر اسم، حالت مفعولی دارد چنانکه در این شعر
بدو هر کو مقارن تریب در تن چو سوارش بدو هر کو مقاربت بریکاهد جان چو سوهانش
« از شیوای فضائی »

ب - «ش» در آخر افعال نیز حالت مفعولی دارد مانند - زدش - مثال از شعر

زدش بر زمین بر بگردار شیر بدانت کاو هم نمائد بزیر
 « از فردوسی »

۲ - حرف 'ت'

الف - حرف (ت) در آخر اسماء حالت اضافی دارد و مضاف الیه واقع میشود مانند: کتابت، کاغذت، قلمت و نیز در آخر اسامی حالت مفعولی دارد. مثال از شعر سروری جو تا بگیرد خواجه ات در بندگی برتری جو تا نجوید بر تو ناکس برتری (صادق سرمد)

ب - که در آخر افعال حالت مفعولی دارد چون: میآوردت - میبردت - ترامی آورد و ترامیبرد

۳ - حرف (م)

الف - در آخر اسامی حالت اضافی دارد یعنی مضاف الیه واقع میشود مانند: کتابم، کاغذم بجای کتاب من و کاغذ من و نیز در آخر اسامی حالت اسنادی دارد یعنی جای 'هستم' را که مسند است میگیرد، مانند استادم که هم معنی استاد من میدهد و هم معنی استاد هستم و از فحوای سخن و قرینه مقالی باید فرق مابین این دو حالت را دریافت.

ب - در آخر صفات حالت اسنادی دارد مانند: عالمم و فاضلم (یعنی عالم هستم و فاضل هستم) و نیز حالت اضافی دارد و در اینصورت عالم من و فاضل من گفته می شود و فرق این دو نیز از روی قرینه مقالی معلوم میشود.

ج - در آخر افعال گاهی حالت فاعلی دارد مانند: آمدم بمعنی من آمدم و گاهی حالت مفعولی دارد در اینصورت جای آمد مرا میگیرد.

د - در آخر اسامی نیز حالت مفعولی دارد چنانکه در مصراع اول این بیت حالت اسنادی و در مصراع دوم حالت مفعولی دارد:

کوهر اشك نیم کوهر کان هنرم اله ای آصف دوران مفکن از نظرم

« از شوریده شیرازی »

و نیز در آخر افعال حالت مفعولی دارد مانند: نیستم پروای کس، که، مرا پروای کس نیست، معنی میدهد و در زمان حاضر خیلی قلیل الاستعمال است.